

ایران توشه

- رانلور نمونه سوالات امتحانی

- رانلور گام به گام

- رانلور آزمون گاج و قلم چی و سنجش

- رانلور فیلم و مقاله آنلیزشی

- رانلور و مشاوره



IranTooshe.ir



@irantooshe



IranTooshe



درس یازدهم: یاران عاشق

۱. زیاران عاشق حکایت کنیم

۱. بیا عاشقی را رعایت کنیم

قلمرو زبانی: عاشقی: راه و رسم عاشقی / یاران عاشق: رزمندگان، شهدا / بیت: سه جمله / عاشقی و حکایت: نقش مفعول.

قلمرو ادبی: عاشقی: مجاز از راه و روش عاشقی / رعایت کردن عاشقی: کنایه از نگهداری از عشق ورزی / واج آرای مصوّت «ا» / عاشق و عاشقی: جناس ناقص افزایشی.

قلمرو فکری: بیا تا برای احترام به عشق و عاشقی، از یاران عاشق (شهدا) داستان‌هایی را روایت کنیم.

۲. سفر بر مدار خطر کرده‌اند

۲. از آنها که خونین سفر کرده‌اند

قلمرو زبانی: آنها: منظور شهدا و رزمندگان / مدار: مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد؛ مسیر / بیت: سه جمله

قلمرو ادبی: مصرع اول: کنایه از شهادت / مصرع دوم: کنایه از پذیرفتن خطرات و گذشتن از جان و مال / مدار خطر: اضافه استعاری / سفر: تکرار

قلمرو فکری: از آن شهیدانی که سفر خونین داشته‌اند و در جاده‌ای دشوار و پُر خطر سفر کرده‌اند، حکایت کنیم.

۳. دمید از گلوی سحرزادشان

۳. از آنها که خورشید فریادشان

قلمرو زبانی: آنها: منظور شهدا و رزمندگان / دمید: طلوع کرد / سحرزاد: زاییده سحر / بیت: دو جمله / «شان» در دو مصرع: نقش مضاف الیه.

قلمرو ادبی: خورشید فریاد: اضافه تشبیهی / گلوی سحرزاد: استعاره مکنیه و تشخیص و کنایه از سخنان آگاهی بخش / گلو: مجاز از دهان / سحرزاد: کنایه از حیات بخش و نورانی / سحر: نماد بیداری و آگاهی / فریاد از گلو دمیدن: کنایه از فریاد و اعتراض / دمید: ایهام: ۱. طلوع کرد ۲. فوت کرد.

قلمرو فکری: از آن یارانی حکایت کنیم که فریادشان مانند خورشید از گلوی آگاهی بخششان بیرون می‌آمد و امیدبخش بود.

۴. دَف عشق با دست خون می‌زنند

۴. چه جانانه چرخ جنون می‌زنند

قلمرو زبانی: جانانه: از دل و جان / چرخ جنون: رقص دیوانگی / با دست خون: با دست خون آلود / دَف: نوعی ساز / بیت: دو جمله.

قلمرو ادبی: جانانه: ایهام تناسب: ۱. از دل و جان (√) ۲. معشوق و محبوب (X) که با عشق تناسب دارد / چرخ جنون زدن: کنایه از رقصیدن / دَف عشق: اضافه تشبیهی / دَف زدن: کنایه از شادی کردن / کلّ بیت: تلمیح به سماع (رقص) صوفیان / مصرع دوم: کنایه از عاشقانه جان دادن / واج آرای «ن» لاست خون: اضافه استعاری و تشخیص / خون: مجاز از شهادت / چرخ جنون - با دست خون آلود دَف زدن: تناقض (پارادوکس).

قلمرو فکری: آن‌ها از دل و جان به دنبال عاشقی می‌گشتند و این عشق را با شهادت خود دنبال می‌کردند.

۵. چنین نغمه عشق سر می‌کنند:

۵. به رقصی که بی پا و سر می‌کنند

قلمرو زبانی: نغمه: آواز خوش، سرود / سر می‌کنند در مصرع دوم: می‌سرایند / بیت: دو جمله / نغمه: نقش مفعول / عشق: نقش مضاف الیه.

قلمرو ادبی: بی پا و سر رقصیدن: تناقض (پارادوکس) و کنایه از شهادت / نغمه عشق: اضافه تشبیهی / بی پا و سر بودن: کنایه از تگه تگه بودن / رقص و نغمه - پا و سر: مراعات نظیر (تناسب) / سر می‌کنند: کنایه از سرودن و خواندن.

قلمرو فکری: آنان با پیکری بدون پا و سر (تگه تگه) جان می‌دهند و سرود عشق را چنین زیبا و دلنشین می‌خوانند:

۶. بزَن زخم انکار بر جان ما

۶. هلا منکر جان و جانان ما

قلمرو زبانی: هلا: آگاه باش / منکر: انکار کننده، ناباور / جانان: مانند جان، معشوق / انکار: باور نکردن، پذیرفتن، نفی کردن / بیت: سه جمله

قلمرو ادبی: جان: مجاز از وجود / زخم انکار: اضافه تشبیهی / زخم زدن: کنایه از آسیب رساندن / زخم انکار زدن: کنایه از سرزنش کردن / منکر و انکار: اشتقاق / جان: آرایه تکرار / واج آرای «ن».

قلمرو فکری: ای کسی که ما و معشوق ما را انکار می‌کنی، باز هم ما را انکار کن؛ زیرا این کار تو برای ما التیام بخش است.

۷. بزَن زخم مُردن، غم عاشق است

۷. بزَن زخم، این مرهم عاشق است

قلمرو زبانی: مرهم: هر دارویی که روی زخم گذارند، التیام بخش / بی زخم مُردن: مرگ معمولی و طبیعی / بیت: سه جمله / زخم: مفعول.

قلمرو ادبی: زخم: استعاره از سرزنش / زخم مانند مرهم: تشبیه و تناقض / زخم زدن: کنایه از آسیب رساندن / زخم و مرهم: تضاد و تناسب.

قلمرو فکری: ای انکار کننده! باز هم ما را سرزنش کن؛ زیرا این زخم تو برای عاشق دوا است. بدون زخم مُردن برای عاشق، عیب و ننگ است.

۸. خموشی است هان، اولین شرط عشق

مگو سوخت جان من از فرط عشق

قلمرو زبانی: فرط: بسیاری / خموشی: سکوت / هان: آگاه باش / بیت: چهار جمله / جان: نقش نهاد / خموشی: نقش مسند.

قلمرو ادبی: سوختن جان: کنایه از رنج بسیار و استعاره مکثیه / خموشی: کنایه از سکوت / جان و هان - فرط و شرط: جناس ناقص اختلافی.

قلمرو فکری: ای عاشق! از سختی عشق، ناله و اعتراض نکن! زیرا اولین شرط عشق، سکوت و رازداری است.

خموشند و فریادشان تا خداست

۹. بین لاله‌هایی که در باغ ماست

قلمرو زبانی: لاله: شهید / باغ: سرزمین / خموش: مخفف خاموش، ساکت / بیت: چهار جمله / باغ: نقش متمم / خموش و تا خدا: نقش مسند.

قلمرو ادبی: لاله: استعاره و نماد شهید / باغ: استعاره از سرزمین و وطن / مصراع دوم: تناقض (پارادوکس) / لاله و باغ: تناسب /

خاموشی لاله‌ها - فریاد لاله‌ها: تشخیص و استعاره / فریاد شهدا تا خدا بودن: اغراق و کنایه از بلند بودن فریاد.

قلمرو فکری: شهدای کشور ما را بین! ساکت‌اند و حرفی نمی‌زنند؛ ولی هدف و مکتبشان زنده‌است و صدای فریادشان تا بی‌نهایت شنیده‌می‌شود.

که آلاله‌ها را حمایت کنیم

۱۰. بیا با گل لاله بیعت کنیم

قلمرو زبانی: بیعت: پیمان، عهد، پیمان‌بستن برای فرمان‌برداری و اطاعت از کسی / آلاله: لاله سرخ، شقایق / بیت: سه جمله / بیعت: نقش مفعول

قلمرو ادبی: لاله و آلاله: استعاره و نماد شهید / بیعت با لاله: تشخیص و استعاره / لاله و آلاله: جناس ناقص افزایشی / گل و لاله و آلاله: تناسب.

قلمرو فکری: بیا تا با شهدا عهد ببندیم که از خون آن‌ها پاسداری و حمایت کنیم.

کارگاه متن پژوهی درس یازدهم

قلمرو زبانی:

۱ معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

✓ ← انکار کننده، ناباور

دشمن آینه باشد روی زرد

□ منکر آینه باشد چشم کور

✓ ← جای دور زدن و گردیدن

جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست

□ ای داور زمانه، ملوک زمانه را

۲ همان‌طور که می‌دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه به کار می‌رود. واژه‌ای که وصف می‌شود، **موصوف** نام دارد.

مثال: کتاب - خواندنی

موصوف صفت

□ به پرکاربردترین صفت‌های بیانی توجه کنید:

• **مطلق:** پاک، خوشحال، خطرناک

بن مضارع + نده: سازنده، درخشنده

بن مضارع + ا: گویا، کوشا

بن مضارع + ان: خندان، تابان

بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار، آموزگار

بن ماضی + ار: خریدار، خواستار

اسم / بن / صفت + گر: زرگر، توانگر، روشنگر

اسم / صفت + بن مضارع: خداشناس، راستگو

بن ماضی + ه (= ه): پرورده، شکسته

مصدر + ی: آشامیدنی، ستودنی

اسم + ی: آسمانی، نارنجی

اسم + ین: امروزی، آهین

اسم + ینه: سیمینه، چرمینه

اسم + انی: روحانی، عقلانی

اسم + انه: کودکانه، سالانه

(*) **سیمینه:** منسوب به سیم، سیمین، اشیای ساخته‌شده از سیم یا نقره)

(*) **روحانی:** منسوب به روح، معنوی، ملکوتی)

• **نسبی:**

| صفت مفعولی | صفت لیاقت | صفت فاعلی | بن مضارع | فعل |
|------------|-----------|-----------------|----------|--------|
| نوشته | نوشتنی | نویسنده | نویس | نوشت |
| خوانده | خواندنی | خواننده - خوانا | خوان | خواندم |

قلمرو ادبی:

1 از متن درس، برای هر یک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونه‌ای مناسب بیابید و بنویسید.

تشبیه: (✓ خورشید فریاد / دف عشق / نغمهٔ عشق / زخم انکار)

متناقض‌نما: (✓ بی پا و سر رقصیدن / زخم، مرهم باشد / خموشند و فریادشان تا خداست)

2 شعر «یاران عاشق» را از نظر قالب و مضمون، با شعر «زاغ و کبک» مقایسه کنید.

✓ هر دو شعر در قالب مثنوی سروده شده‌اند. مضمون «زاغ و کبک» نکوهش تقلید کورکورانه است؛ اما مضمون «یاران عاشق» بزرگداشت مقام شهیدان و عشق آنها به خداوند و جان‌فشانی‌شان در راه خداست.

قلمرو فکری:

1 در بیت سوم، مقصود از یاران عاشق، چه کسانی است و به کدام ویژگی آنها اشاره شده است؟

✓ مقصود شهیدان عاشق ایثارگر است که فریادشان مانند خورشید روشنایی بخش و پاک و نویددهندهٔ امید و پیروزی است.

2 در بیت آخر، بر کدام یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟

✓ عهد و پیمان بستن با شهدا و حمایت از آرمان‌ها و راه شهیدان.

3 نخست، مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس برای هر یک، بیتی متناسب از متن درس بیابید.

الف) ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

✓ مفهوم کلی: دعوت به صبر و سکوت در برابر سختی‌های راه عشق.

✓ بیت متناسب: مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق

ب) چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید / که در جوشن عشقید، که از کرب و بلاید

✓ مفهوم کلی: روی برنگرداندن از عشق و تحمل خطرات آن.

✓ بیت متناسب: هلا منکر جان و جانان ما / بز زخم انکار بر جان ما

رابعی پایین صفحه ۹۶

۱. از چنبرِ نفس، رسته بودند آنها / بت‌ها همه را شکسته بودند آنها

قلمرو زبانی: *چنبر: حلقه و هر چیز حلقه‌مانند؛ چنبر نفس: چنبر زدنِ مارِ نفس / *رستن: رها شدن، نجات یافتن / بیت: دو جملهٔ بلاغی / همه: بدل

قلمرو ادبی: چنبر نفس: اضافهٔ تشبیهی / بت‌ها: استعاره از تعلقات نفسانی و دنیوی / شکستن بت: کنایه از مبارزه با نفس /

اشاره به داستان بت‌شکنی حضرت ابراهیم و پیامبر (ص): تلمیح / بت و شکستن: مراعات نظیر (تناسب).

قلمرو فکری: آن‌ها از دنیای مادیات رها شده بودند و تعلقات دنیوی را از خود جدا کرده بودند.

۲. پرواز شدند و پر گشودند به عرش / هر چند که دست‌بسته بودند آنها

قلمرو زبانی: عرش: آسمان، تخت، سریر / بیت: سه جمله / پرواز و دست‌بسته: نقش مسند.

قلمرو ادبی: پرواز: مجاز از پرنده / پر گشودن: کنایه از پرواز کردن / پرواز با دست‌بسته: تناقض (پارادوکس) / پرواز و پر: مراعات نظیر (تناسب) /

اشاره به داستان شهادت غواصان دست‌بسته: تلمیح / غواصان مانند پرنده: تشبیه / واج‌آرایی «د»، «ش» / پر و هر: جناس ناقص اختلافی.

قلمرو فکری: آنها کسانی بودند که با وجود اینکه دستشان بسته بود، ولی پرواز کردند و به آسمان پر گشودند. (شهید شدند)

شعر خوانی: صبح بی تو

۱. صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

قلمرو زبانی: منظور امام زمان (عج) / *آدینه: روز جمعه، آخرین روز هفته / کینه: دشمنی، نفرت / بیت: دو جمله / رنگ و حالت: نقش مفعول
قلمرو ادبی: صبح بی تو مانند بعد از ظهر آدینه: تشبیه / صبح و بعد از ظهر: مراعات نظیر (تناسب) / رنگ داشتن: کنایه از شبیه بودن / مهربانی حالت کینه داشته باشد: تشخیص و استعاره.

قلمرو فکری: صبح بدون تو، مانند بعد از ظهر جمعه‌ها غم‌آلود و ملال‌آور است. بی تو حتی مهربانی هم، رنگ نفرت و کینه دارد.

۲. بی تو می‌گویند تعطیل است کار عشق‌بازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

قلمرو زبانی: عشق‌بازی: عاشقی / *آدینه: روز جمعه، آخرین روز هفته / بیت: سه جمله / کار و عشق: نقش نهاد / تعطیل: نقش مسند.
قلمرو ادبی: عشق از چیزی خبر داشته باشد: تشخیص و استعاره / شنبه و آدینه - تعطیل و آدینه: مراعات نظیر (تناسب) / شنبه و آدینه: تضاد.
قلمرو فکری: می‌گویند بدون تو، عشق و عاشقی تعطیل است؛ اما عشق به تاریخ و روزهای تقویم، کاری ندارد.

۳. جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد

قلمرو زبانی: *انکار: باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن / گنجینه: گنج، مال بسیار / بیت: دو جمله / ویرانه‌ها: نقش مضاف‌الیه / گنجینه: نقش متمم
قلمرو ادبی: تلمیح به اعتقاد گذشتگان که می‌پنداشتند جغد در خرابه‌هایی که گنج پنهان دارد، زندگی می‌کند / جغد به انکار بخواند: تشخیص و استعاره / جغد و ویرانه و خاک و گنجینه: مراعات نظیر (تناسب) / بوی چیزی را داشتن: کنایه از نشان آن چیز را داشتن.

قلمرو فکری: انکارکنندگان در سرزمین‌های کفر، وجود تو را انکار می‌کنند؛ اما در آن کشورها نیز می‌توان نشانه‌ها ظهور را دید.

۴. خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

قلمرو زبانی: رنجش: دلنگی / خویشاوندی: نزدیکی، قربت / دیرینه: قدیمی / بیت: چهار جمله / خویشاوندی: نقش مفعول / دیرینه: نقش صفت
قلمرو ادبی: عشق با آزار خویشاوندی داشته باشد: تشخیص و استعاره / رنجش و آزار: مراعات نظیر (تناسب) / واج‌آرایی «م»، «د».
قلمرو فکری: می‌خواستم از دوری تو اظهار دلنگی و ناراحتی بکنم؛ اما یادم آمد که رنج و عشق، با هم رابطه عمیق و قدیمی دارند.

۵. در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

قلمرو زبانی: کبوتر چاهی: نوعی کبوتر که معمولاً در اماکن مقدس زندگی می‌کند / بیت: دو جمله.
قلمرو ادبی: کبوتر چاهی زخمی: استعاره از دل‌های منتظران حضرت مهدی (عج) / زخم و سینه - پر و کبوتر: تناسب / سینه: مجاز از قلب.
قلمرو فکری: عاشقان و مؤمنان در آرزوی ظهورت، با بی‌قراری و اضطراب تو را می‌جویند.

۶. ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آیینه دارد

قلمرو زبانی: بیت: دو جمله به شیوه عادی / قفل و کلید: نقش مفعول / بزرگ: نقش صفت / شهر: نقش مضاف‌الیه.
قلمرو ادبی: قفل تیرگی: اضافه تشبیهی (استعاره) / استعاره از ظلم و ستم / شهر پر آیینه: استعاره از جامعه آرمانی شاعر / قفل و کلید: مراعات نظیر
قلمرو فکری: آن کسی که حاکم کشور عدل و عدالت است، ناگهان روزی ظلم و ستم را کنار می‌زند و ما را نجات می‌دهد.

درک و دریافت

① در خوانش این سروده، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

✓ باید به لحن شعر، مکث و درنگ واژه‌ها و عبارات توجه داشته باشیم تا مفهوم بیت‌ها را بهتر درک کنیم.

② «انتظار موعود» یکی از مایه‌های ادبیات انقلاب اسلامی است؛ بر این مبنا، متن شعرخوانی را بررسی کنید.

✓ در بیت‌های این سروده، اعتقاد مسلمانان درباره آمدن امام زمان (عج) به عنوان یک اتفاق قطعی مطرح شده است

که همگی به آن امید دارند و حتی نشانه‌های ظهور در سرزمین‌های غیر مسلمان نیز وجود دارد. انتظاری که با

آمدن حضرت مهدی (عج) پایان می‌یابد و ظلم و ستم برچیده می‌شود و بساط عدل و عدالت گسترش می‌یابد.